

نقش میانجی سلامت روان در رابطه با خستگی ذهنی و خود فریبی با تمایل به طلاق
The mediating role of mental health in the relationship between mental fatigue and self-deception with the tendency to divorce

Haniyeh Al-Sadat Mahdavi

Master of Family Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

Dr. Simin Hosseinian*

Professor, Department of counselling, faculty of psychology and Educational sciences, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

Hosseinian@Alzahra.ac.ir

Dr. Abbas Abdollahi

Assistant professor of counseling department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

حانیه السادات مهدوی

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

دکتر سیمین حسینیان (نویسنده مسئول)

استاد تمام گروه مشاوره دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

دکتر عباس عبداللّهی

استادیار گروه مشاوره دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

Abstract

The purpose of the present study was to determine the mediating role of mental health in the relationship between mental fatigue and self-deception with the tendency to divorce. The method of descriptive-correlation research was Structural equation modeling. The statistical population included all the married students of Kerman City in the academic year 2019-2020, of which 300 people were selected by available and voluntary sampling. The research tools include the Tendency to Divorce Scale (TDS) by Roselet et al. (1986), the Marital Boredom Scale (CBM) by Paynes (1996), the Mental Health Scale (MHI-28) by Besharat (2008), and the Self-Deception Scale (SDQ-12) by Siront and colleagues (2019). Pearson's correlation test and Structural equation modeling were used to analyze the data. The results showed that the model has a good fit and there is a significant relationship between self-deception, mental fatigue, and mental health with the tendency to divorce ($P<0/05$) and it was also found that mental fatigue and self-deception mediate the indirect effect of mental health. It has a negative and significant effect ($P<0/01$) on the tendency to divorce married students. Based on these findings, it can be concluded that self-deception and mental fatigue, directly and indirectly, affect the tendency to divorce in married students and play an essential role in the tendency to divorce.

Keywords: tendency to divorce, mental fatigue, self-deception, mental health.

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی سلامت روان در رابطه خستگی ذهنی و خودفریبی با تمایل به طلاق بود. روش پژوهش توصیفی-همبستگی به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان متأهل شهر کرمان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود که از بین آن‌ها تعداد ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس و داوطلبانه انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس تمایل به طلاق (TDS) روزلت و همکاران (۱۹۸۶)، مقیاس دلزدگی زناشویی (CBM) پاینس (۱۹۹۶)، مقیاس سلامت روان (MHI-28) بشارت (۱۳۸۸) و مقیاس خودفریبی (SDQ-12) سیرونت و همکاران (۲۰۱۹) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد که مدل از برازش خوبی برخوردار بوده و بین خودفریبی، خستگی ذهنی و سلامت روان با تمایل به طلاق رابطه معنی‌دار وجود دارد ($P<0/05$) و علاوه بر این مشخص شد که خستگی ذهنی و خودفریبی با میانجیگری سلامت روان اثر غیرمستقیم منفی و معنی‌داری ($P<0/01$) بر تمایل به طلاق دانشجویان متأهل دارد. بر اساس این یافته‌های می‌توان نتیجه گرفت که خودفریبی و خستگی ذهنی به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم، تمایل به طلاق را در دانشجویان متأهل تحت تأثیر قرار می‌دهند و نقش اساسی در تمایل به طلاق ایفا می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: تمایل به طلاق، خستگی ذهنی، خودفریبی، سلامت روان.

خانواده یک نهاد اجتماعی اولیه و حیاتی است که هم سلامت فرد و هم بقای جامعه را تضمین می‌کند و هیچ جامعه‌ای بدون داشتن نظام خانواده سالم نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد (استوکیبک^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). امروزه گسترش روزافزون آمار طلاق و ازدواج‌های شکست‌خورده به عنوان یک پدیده اجتماعی نشان می‌دهد که طلاق یک شوک عاطفی بزرگ در بزرگسالی است و دارای آثار زیانباری از جمله سرخوردگی اجتماعی، افسردگی، احساس یأس، انزوا گزینی و احساس تنهایی می‌باشد (صالحی و صفرزاده، ۱۴۰۱). تمایل به طلاق^۲، یکی از شاخص‌های معتبر نارضایتی در روابط زناشویی و گسستگی عاطفی بین زوجین است (حسینی‌قیداری و همکاران، ۱۴۰۱) از این‌رو بررسی عواملی که زمینه را برای تمایل به طلاق در زوجین مهیا می‌کند، دارای اهمیت است (سالاری‌فر و همکاران، ۱۴۰۱). باید توجه داشت که زوجین با تمایل به طلاق به دلایل و مشکلات متعدد بین فردی و درون فردی مرتبط با تجربیات روابط، اجتماعی و اقتصادی، ویژگی‌های زمینه‌ای و بهزیستی ذهنی و احساسی خواستار طلاق می‌شوند (خالقی و همکاران، ۱۴۰۰).

یکی از عوامل مهم در ایجاد تمایل به طلاق، خستگی^۳ است (حاتمی و همکاران، ۱۴۰۰). مفهوم خستگی، مفهومی ثابت نیست و معمولاً زوجین در طول زندگی مشترک تجربه‌هایی از نوسان در میزان رضایت‌مندی دارند، لذا باید خود را فعالانه با جنبه‌های فیزیکی، اجتماعی و ذهنی محیط خود سازگار کنند. خستگی عبارت است از، خستگی جسمی، ذهنی و عاطفی که در اثر عدم هماهنگی توقعات و واقعیت‌ها به وجود می‌آید (انجوم^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). خستگی در روابط زناشویی فرآیندی تدریجی است که در آن صمیمیت و عشق به تدریج از بین می‌رود و با خستگی عمومی همراه می‌شود. هنگامی که رابطه صمیمانه متوقف می‌شود، بسیاری از درگیری‌ها، انتقادهای مکرر، پناه بردن به سکوت، عدم وابستگی عاطفی و مشکلات ناپایدار که منجر به ناسازگاری زناشویی می‌شود، به وجود می‌آیند (صباغ و همکاران، ۲۰۲۰). محمودپور و همکاران (۱۳۹۹) در پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس خستگی و تحمل پریشانی با میانجی‌گری احساس تنهایی در زنان با گرایش به طلاق نشان دادند که خستگی ذهنی و عاطفی و تحمل پریشانی با احساس تنهایی در ارتباط هستند. رابطه احساس تنهایی با گرایش به طلاق به صورت مستقیم معنادار بوده و همچنین اثر غیرمستقیم دلزدگی زناشویی یا همان خستگی ذهنی، عاطفی و جسمی و تحمل پریشانی بر گرایش به طلاق به واسطه احساس تنهایی معنادار است. همچنین نتایج پژوهش فیدائو^۵ و همکاران (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که سلامت روانی رابطه کیفیت زندگی و خستگی ذهنی را میانجی می‌کند و اثرات غیرمستقیمی بر کیفیت زندگی دارد.

از طرفی نتایج پژوهش عظیمی و همکاران (۱۴۰۰)، حاکی از آن است که خودفریبی از جمله توجیه‌کننده‌های درون فردی است که موجب افزایش ناسازگاری و تعارضات زناشویی می‌شود. خودفریبی نوعی از مکانیسم سرکوب است که تصور می‌شود به محافظت از فرد در برابر درد ناشی از اطلاعات اضطراب‌زا کمک می‌کند و به افراد اجازه می‌دهد از ناراحتی یا درد ناشی از تجربیات منفی یا تهدیدآمیز فرار کنند (گائو^۶، ۲۰۲۱). زوجین برای کنترل مشکلاتشان به‌طور ناخودآگاه دست به خودفریبی می‌زنند. معمولاً افراد با به‌کارگیری این مکانیسم‌ها در یک‌زمان از خود در برابر اضطراب‌ها دفاع می‌کنند. موقعیت‌هایی هستند که در آن‌ها حقیقت درباره‌ی فرد پدیدار می‌شوند و آن هنگامی است که دفاع‌ها فرو می‌پاشد. این جریان در زمان استرس شدید روی می‌دهد و فرایند طلاق یکی از این موقعیت‌هاست (گذبی^۷، ۲۰۲۱). پژوهش پورزاد و همکاران (۱۴۰۰)، نیز تأیید می‌کند بین خودفریبی با تمایل به طلاق رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین رحمانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین تحریف‌های شناختی و دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

از دیگر متغیرهایی که رابطه مستقیمی با عملکرد فردی و زوجی و آسیب‌های روانی دارد و بررسی نقش آن در روابط زوجین دارای اهمیت می‌باشد، سلامت روانی افراد است (رجبیان دهریز و رجبیان، ۱۳۹۹). فردی که دارای سلامت روانی است از عملکرد و کیفیت بهتری در مقایسه با دیگران برخوردار می‌باشد (رودی^۸ و همکاران، ۲۰۲۰). در سال‌های اخیر سلامت‌روان به این صورت تعریف می‌شود که فرد از

1 Stokkebekk

2 tendency to divorce

3 fatigue

4 Anjum

5 Fidaio

6 Gaoa

7 Gadsby

8 Roddy

آسیب‌ها و فشارهای روانی در امان باشد (لاکی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). به عبارت دیگر سلامت روان، مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی است که در برابر حوادث فشارزای زندگی به عنوان سپری محافظ عمل می‌کند و کمک می‌کند که افراد، در این موقعیت‌ها کارکرد بهتری داشته باشند. همچنین، حالتی از توانمندی و بهزیستی است که به فرد توانایی لازم برای مقابله با فشارهای روزمره زندگی را می‌دهد (ژانگ و ما^۲، ۲۰۲۰). سلامت روان، با بهبود ارتباطات بین فردی و عملکرد بهتر فرد در جنبه‌های مختلف زندگی همراه است و می‌تواند تحت تأثیر منفی یا مثبت کیفیت زندگی زناشویی قرار گیرد (یو^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). پژوهش پوراآقا رودبرده (۱۴۰۰) نشان داد که بین تحریف‌های شناختی، بهزیستی روان‌شناختی و دلزدگی زناشویی با میزان سلامت روان در بین زوجین متقاضی طلاق رابطه معناداری وجود دارد. چوب فروش‌زاده و شیروودی (۱۴۰۱) نقش واسطه‌ای سلامت روان در رابطه بین حمایت همسر و تمایل به طلاق در زوجین را بررسی کردند که نتایج حاکی از نقش میانجی سلامت روان در بین حمایت همسر و تمایل به طلاق در زوجین بود. نتایج پژوهش شاهمرادی (۱۳۹۵) نشان داد که افسردگی، اضطراب و استرس، افکار پارانوییدی و روان رنجوری قوی‌ترین پیش‌بینی را برای احتمال در معرض طلاق قرار گرفتن زوجین فراهم می‌کند. همچنین بیلال و رسول^۴ (۲۰۲۰)، در پژوهش خود نشان دادند که رضایت زناشویی و رضایت جنسی با سلامت روان رابطه مثبت و معناداری دارند. نتایج حاکی از اهمیت رابطه مثبت و معنادار رضایت زناشویی و جنسی از سلامت روان در زوج‌های متأهل است.

یکی از مشکلات عمده‌ای که افراد در فرایند طلاق با آن درگیر می‌شوند، مشکلات روانی و از بین رفتن سلامت روان آنان می‌باشد. مطالعات نشان داده است که افراد در فرایند طلاق هیجان‌های منفی و آشفتگی روانی زیادی را تجربه می‌کنند؛ بنابراین داشتن سلامت روان می‌تواند افراد را در اتخاذ تصمیمات مناسب‌تر کمک کند (هالد^۵ و همکاران، ۲۰۲۳). با توجه به این که خستگی ذهنی در زوجین به تدریج منجر به از بین رفتن صمیمیت و جدایی عاطفی می‌شود و زوجین با مکانیسم خودفریبی در پی سرکوب احساسات ناشی از این فرایند جهت محافظت از خود در برابر تجربیات منفی اضطراب‌زا هستند به نظر می‌رسد سلامت روانی افراد می‌تواند این فرایند را میانجی کند. همان‌طور که پژوهش‌ها نیز نشان داده است افرادی که دارای سلامت روانی بیشتری هستند از عملکرد و کیفیت بهتری در مقایسه با دیگران برخوردار می‌باشد (رودی^۶ و همکاران، ۲۰۲۰). سلامت روان حالتی از توانمندی و بهزیستی است که به فرد توانایی لازم برای مقابله با فشارهای روزمره زندگی را می‌دهد (ژانگ و ما^۷، ۲۰۲۰). سلامت روان، با بهبود ارتباطات بین فردی و عملکرد بهتر فرد در جنبه‌های مختلف زندگی همراه است و می‌تواند تحت تأثیر منفی یا مثبت کیفیت زندگی زناشویی قرار گیرد (یو^۸ و همکاران، ۲۰۲۰). پژوهش پوراآقا رودبرده (۱۴۰۰) نشان داد که بین تحریف‌های شناختی، بهزیستی روان‌شناختی و دلزدگی زناشویی با میزان سلامت روان در بین زوجین متقاضی طلاق رابطه معناداری وجود دارد. چوب فروش‌زاده و شیروودی (۱۴۰۱) نقش واسطه‌ای سلامت روان در رابطه بین حمایت همسر و تمایل به طلاق در زوجین را بررسی کردند که نتایج حاکی از نقش میانجی سلامت روان در بین حمایت همسر و تمایل به طلاق در زوجین بود. نتایج پژوهش شاهمرادی (۱۳۹۵) نشان داد که افسردگی، اضطراب و استرس، افکار پارانوییدی و روان رنجوری قوی‌ترین پیش‌بینی را برای احتمال در معرض طلاق قرار گرفتن زوجین فراهم می‌کند. همچنین بیلال و رسول^۹ (۲۰۲۰)، در پژوهش خود نشان دادند که رضایت زناشویی و رضایت جنسی با سلامت روان رابطه مثبت و معناداری دارند. نتایج حاکی از اهمیت رابطه مثبت و معنادار رضایت زناشویی و جنسی از سلامت روان در زوج‌های متأهل است.

باید توجه داشت که زوجین متقاضی طلاق به دلایل و مشکلات متعدد بین فردی و درون فردی مرتبط با تجربیات روابط، اجتماعی و اقتصادی، ویژگی‌های زمینه‌ای و بهزیستی ذهنی و احساسی، متمایل به طلاق می‌شوند (خالقی و همکاران، ۱۴۰۰). انعکاس تفاوت‌های فردی در تمایلات باعث می‌شود مدیریت احساسات و عواطف شکل مشخصی به خود بگیرد و افراد رفتار خود را طوری تنظیم و کنترل می‌کنند که خود و دیگران آن‌ها را همان‌طور که می‌خواهند ببینند و این امر به میزان گسترده‌ای بر رضایت و تبادلات مؤثر است (آروچو^{۱۰}،

1 Lackey

2 Zhang & Ma

3 Yu

4 Bilal & Rasool

5 Hald

6 Roddy

7 Zhang & Ma

8 Yu

9 Bilal & Rasool

10 Arocho

(۲۰۲۱). در این میان سلامت روان می‌تواند منجر به عملکرد مثبت و خوش‌بینانه در رابطه بین زوجین گردد و زمانی که زوجین از واقعیات زندگی فاصله می‌گیرند و دست به خودفریبی در رابطه می‌زنند، داشتن سلامت روان منجر به کاهش استفاده زوجین از این مکانیسم‌های ناخودآگاه فریب‌دهنده در رابطه شود (پورزاد و همکاران، ۱۴۰۰). لذا با توجه به مطالب ذکرشده و پژوهش‌های پیشین مبنی بر رابطه بین خودفریبی و خستگی ذهنی با سلامت روان و همچنین رابطه بین سلامت روان با تمایل به طلاق و با در نظر گرفتن اینکه تاکنون در خصوص موضوع موردبحث در کشور ما مستقیماً مطالعه‌ای صورت نگرفته است و نقص عمیقی در مفاهیم تجربی موجود به‌ویژه خودفریبی و خستگی ذهنی دیده می‌شود، پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش میانجی سلامت‌روان در رابطه با خستگی ذهنی و خودفریبی با تمایل به طلاق انجام گرفت.

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانشجویان متأهل شهر کرمان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود. حجم نمونه این پژوهش از طریق فرمول گرین^۱ (۱۹۹۱) $m+50$ محاسبه شد. به این صورت که m تعداد متغیرهای پیش‌بین با احتساب مؤلفه‌های هر متغیر را نشان می‌دهد. در نتیجه $170+50(15)=220$ با توجه به عدد به‌دست‌آمده و جهت اطمینان، حجم نمونه ۳۰۰ نفر انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های پژوهش که به‌صورت آنلاین طراحی و در شبکه‌های اجتماعی (واتساپ، تلگرام، ایتا و آیگپ) قرار داده شد، پاسخ دادند. بازه زمانی نمونه‌گیری از اوایل شهریورماه ۱۳۹۹ تا اوایل آذرماه ۱۴۰۰ بود. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه شخص، متأهل بودن شرکت‌کنندگان، دانشجوی یکی از دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی شهر کرمان، داشتن حداقل ۵ سال سابقه زندگی مشترک، عدم وابستگی به مصرف مواد طبق اظهارات خود شرکت‌کنندگان بود. ملاک‌های خروج از پژوهش شامل عدم همکاری در تکمیل پرسشنامه‌ها و انصراف از ادامه پژوهش حین پاسخگویی به پرسشنامه‌ها بود. در این پژوهش به لحاظ اخلاقی، توضیحاتی درباره اهداف پژوهش به شرکت‌کنندگان ارائه و به مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد که نوشتن مشخصات فردی الزامی نیست و پرسشنامه‌ها بدون نام و با کدگذاری انجام خواهد شد همچنین به آنان اطمینان داده شد که اطلاعات آنان نزد محقق محرمانه باقی خواهند ماند و رضایت افراد برای شرکت در این پژوهش جلب شد برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل معادلات ساختاری در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ و نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۴ استفاده شد.

ابزار سنجش

مقیاس تمایل به طلاق^۲ (TDS): مقیاس تمایل به طلاق توسط روزلت^۳ و همکاران (۱۹۸۶) طراحی شده است. این مقیاس دارای ۲۸ گویه است که بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای است که از ۱ (برای گزینه هرگز) تا ۷ (برای گزینه همیشه) درجه‌بندی شده است. هر چه نمره آزمودنی در مقیاس تمایل به طلاق بیشتر باشد، نشان‌دهنده میل بالاتر به طلاق در آزمودنی است. روزلت و همکاران (۱۹۸۶) آلفای کرونباخ مؤلفه تمایل به طلاق را ۰/۹۱ گزارش دادند. همچنین ضریب آزمون باز آزمایی در بازه زمانی دوهفته‌ای را معادل ۰/۸۹ و روایی هم‌زمان آن را با پرسشنامه نگرش نسبت به طلاق کینارد و جرارد^۴ (۱۹۸۶) ۰/۶۷ گزارش کرده است. در ایران، داودی و همکاران (۱۳۹۰) پایایی پرسشنامه را با استفاده از شیوه آلفای کرونباخ برای کل نمونه ۰/۸۹ و برای خرده مقیاس تمایل برای خارج شدن ۰/۸۹، ابراز احساسات ۰/۹۰، وفاداری ۰/۸۶ و مسامحه ۰/۷۲ گزارش کرده‌اند. همچنین روایی همگرا و تمیزی پرسشنامه از طریق بررسی همبستگی بین نمرات حاصل از پرسشنامه با درجه‌بندی با درجه‌بندی دو مقوله‌ای و چند مقوله‌ای با فاصله زمانی بررسی شده که بر اساس نمرات ارائه شده بین نمرات حاصل از پرسشنامه با درجه بندی با فاصله زمانی در حوزه میل به طلاق بین ۰/۱۸- تا ۰/۵۲+ در نوسان گزارش شده است (دهقانی و نیک‌نژادی، ۱۴۰۱). در پژوهش حاضر جهت بررسی پایایی این پرسشنامه لینک سؤالات این پرسشنامه به تعدادی دانشجوی خارج از نمونه آماری (۳۸ نفر از دانشجویان) ارسال گردید. ضریب آلفای کرونباخ جهت نمره کل، ۰/۸۳ به دست آمد.

1 Green

2 tendency Divorce Scale (PDS)

3 Rusbult

4 Kinnard & Gerrard

مقیاس دلزدگی زناشویی^۱ (CBM): این مقیاس توسط پاینز^۲ (۱۹۹۶) ساخته شده و شامل ۲۰ سؤال است که نشان دهنده‌ی نشانگان خستگی است. این مقیاس یک نمره کل از خستگی به دست می دهد که از زیر مقیاس های خستگی جسمی، روانی و عاطفی به دست می آید. پاینز و نانز^۳ (۲۰۰۳) ضریب پایایی مقیاس را بین ۰/۸۶ تا ۰/۸۹ و روایی مقیاس را به شیوه بررسی روایی ملاک مورد بررسی قرار دادند که همبستگی منفی آن با ویژگی های ارتباطی مثبت (ضرایب همبستگی بالای ۰/۳۰) روایی آن را تأیید کرد. نوروزی و نوایی نژاد (۱۴۰۰) ضریب پایایی باز آزمایی این مقیاس برای یک دوره یک ماهه ۰/۸۹، برای یک دوره دوماهه ۰/۷۶ و برای یک دوره چهارماهه ۰/۶۶ بود و ضریب آلفای کرونباخ آن نیز بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ گزارش شده است. در پژوهش ساداتی و همکاران (۲۰۱۴) نیز روایی سازه این مقیاس از طریق تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت؛ آن ها همچنین روایی همگرایی مقیاس را با مقیاس فرسودگی زناشویی پاینز محاسبه کردند و ضریب همبستگی این دو مقیاس را معنی دار گزارش کردند ($r=0.54, P=0.001$). در پژوهش حاضر جهت بررسی پایایی این پرسشنامه لینک سؤالات این پرسشنامه به تعدادی دانشجوی خارج از نمونه آماری (۳۸ نفر از دانشجویان) ارسال گردید. ضریب آلفای کرونباخ جهت نمره کل دلزدگی زناشویی، بعد خستگی ذهنی، عاطفی و جسمی به ترتیب به این صورت ۰/۹۳، ۰/۷۱، ۰/۸۰ و ۰/۸۳ به دست آمد. در پژوهش حاضر از زیرمقیاس خستگی ذهنی این مقیاس استفاده شد.

مقیاس سلامت روان^۴ (MHI-28): مقیاس سلامت روان بشارت (۱۳۸۸)، فرم کوتاه شده مقیاس ۳۴ سؤالی سلامت روانی است (بشارت، ۱۳۸۵؛ ویت و ویر^۵، ۱۹۸۳) و شامل دو بعد بهزیستی روان شناختی و درماندگی روان شناختی است. این پرسشنامه بر اساس طیف پنج درجه ای لیکرت ۱ تا ۵ نمره گذاری می شود. کمترین نمره این مقیاس ۱۴ و بیشترین نمره آن ۷۰ است. بشارت (۱۳۸۸)، ویژگی های روان سنجی این مقیاس را در نمونه ای شامل ۲۷۷ بیمار و ۴۸۳ آزمودنی بهنجار مورد بررسی قرار داد. ضریب آلفای کرونباخ در گروه بهنجار برای بعد بهزیستی روان شناختی ۰/۹۴ و بعد درماندگی روان شناختی ۰/۹۱ و در گروه بیمار به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۹۰ به دست آمد؛ که همسانی درونی مناسب مقیاس را نشان می دهد. در بررسی پایایی این مقیاس به روش باز آزمایی در فاصله دو هفته، برای بهزیستی روان شناختی ۰/۹۰ و درماندگی روان شناختی ۰/۸۹ به دست آمد که نشانه پایایی مناسب مقیاس است. روایی هم زمان ۴ مقیاس سلامت روانی از طریق اجرای هم زمان پرسشنامه سلامت عمومی (گلدبرگ^۶، ۱۹۸۸) بر روی همه آزمودنی ها محاسبه شد. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره کلی آزمودنی ها در پرسشنامه سلامت عمومی با ابعاد بهزیستی روان شناختی همبستگی منفی و معنادار و با زیر مقیاس درماندگی روان شناختی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. این نتایج روایی هم زمان مقیاس سلامت روانی را مورد تأیید قرار داد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ بعد بهزیستی روان شناختی ۰/۸۹ و درماندگی روان شناختی ۰/۹۳ به دست آمد.

پرسشنامه خودفریبی^۷ (SDQ-12): پرسشنامه خودفریبی توسط سیرونت^۸ و همکاران (۲۰۱۹) طراحی و اعتبار سنجی شده است. این مقیاس باهدف سنجش خودفریبی طراحی شده و ۱۲ ماده است. ماده های این مقیاس روی طیف پنج درجه ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) نمره گذاری می شود. حداقل نمره در این مقیاس ۱۲ و حداکثر نمره ۶۰ است. ضریب پایایی این ابزار را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آوردند (سیرونت و همکاران، ۲۰۱۹). روایی این ابزار را نیز سیرونت و همکاران (۲۰۱۹) در ابتدا به روش تحلیل عامل اکتشافی تأیید کردند و در ادامه شخص های برازش مدل تحلیل عاملی نیز نشان دهنده ی براز مدل و احراز روایی مطلوب این ابزار بود (سیرونت و همکاران، ۲۰۱۹). بارانی و فضیلت پور (۱۴۰۰) با استفاده از آلفای کرونباخ ضریب پایایی این ابزار را ۰/۵۸ گزارش کردند. برای محاسبه ضریب روایی هم زمان از پرسشنامه سرکوبگری واینبرگر^۹ (۱۹۹۰) استفاده شد که به ترتیب ضرایب ۰/۶۱ و ۰/۵۶ در سطح معناداری ۰/۰۱ به دست آمد (پوزاد و همکاران، ۱۴۰۰). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۹۴ به دست آمد.

1 Couple Boredom Measure (CBM)

2 Pines

3 Nunes

4 Mental health inventory (MHI)

5 Veit & Ware

6 Goldberg

7 Self-Deception Questionnaire (SDQ-12)

8 Sirvent

9 Weinberger

یافته ها

در این پژوهش ۳۰۰ شرکت کننده در تکمیل پرسشنامه‌ها مشارکت داشتند. از لحاظ جنسیت ۱۸۶ نفر زن (۶۲ درصد) و ۱۲۰ نفر مرد (۳۸ درصد)؛ از لحاظ سن ۱۹۰ نفر در بازه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال (۶۳/۳ درصد)، ۹۶ نفر بین ۲۵ تا ۳۰ سال سن (۳۲/۰ درصد) و ۱۴ نفر از بالای ۳۰ سال سن داشتند (۴/۷ درصد). میانگین سنی همچنین ۲۱۵ نفر از مشارکت کنندگان (۷۱/۶۶ درصد) تجربه کمتر از دو سال زندگی مشترک و ۸۵ نفر بین ۲ تا ۵ سال زندگی مشترک داشتند (۲۸/۳۳ درصد). از لحاظ میزان تحصیلات ۲۰۵ نفر مقطع کارشناسی (۶۸/۳۳ درصد)، ۸۱ نفر مقطع کارشناسی ارشد (۲۷ درصد) و ۱۴ نفر مقطع دکترا بودند (۴/۶۶ درصد).

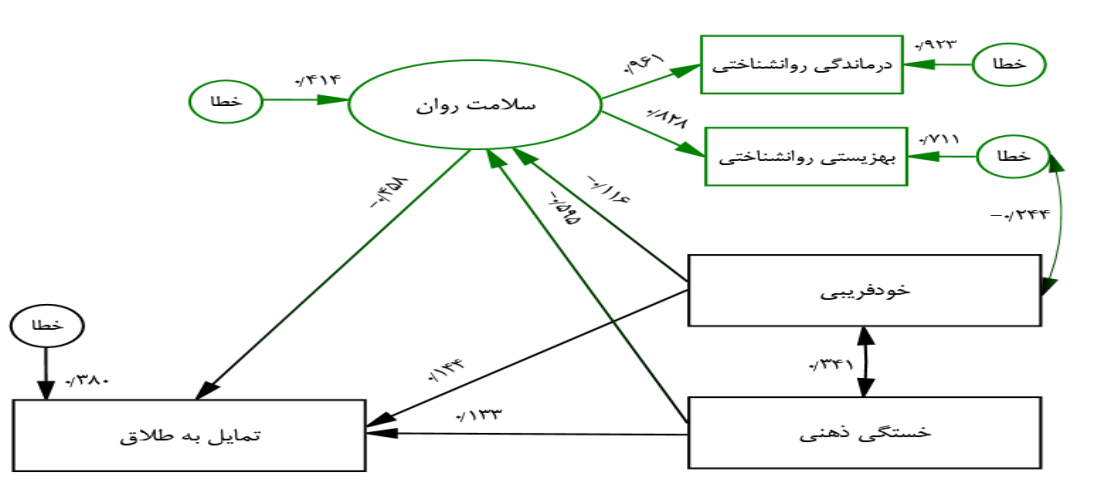
جدول ۱: آماره‌های توصیفی و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	خودفریبی	خستگی ذهنی	بهزیستی روان‌شناختی	درماندگی روان‌شناختی	تمایل به طلاق
خودفریبی	۱				
خستگی ذهنی	۰/۳۳ **	۱			
سلامت روان (بهزیستی روان‌شناختی)	-۰/۳۸ **	-۰/۵۰ **	۱		
سلامت روان (درماندگی روان‌شناختی)	۰/۳۰ **	۰/۶۱ **	-۰/۸۱ **	۱	
تمایل به طلاق	۰/۳۳ **	۰/۴۷ **	-۰/۵۳ **	۰/۵۵ **	۱
میانگین	۳۵/۸۴	۲۳/۶۲	۴۶/۲۸	۴۰/۳۲	۴۹/۷۴
انحراف معیار	۸/۲۰	۴/۷۲	۱۲/۷۶	۱۳/۸۶	۸/۷۳
ضریب کجی	۰/۴۱۳	۰/۱۲۰	-۰/۵۶۰	۰/۲۰۹	۰/۱۸۲
ضریب کشیدگی	-۰/۱۰۶	-۰/۰۲۳	-۰/۲۶۶	-۰/۹۱۹	-۰/۶۶۴

** همبستگی در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار است.

بر اساس داده‌های جدول ۱ مشخص می‌شود که شاخص‌های کجی و کشیدگی در حد فاصله ۲ و ۲- قرار دارند که بیانگر پراکندگی مناسب و نرمال بودن توزیع اغلب متغیرها می‌باشد (نسبت کجی و کشیدگی به خطای معیار در بازه $\pm 1/96$ قرار دارد). نتایج آزمون همبستگی پیرسون در قالب ماتریس همبستگی در جدول ۱ ارائه شده است. نتایج ماتریس همبستگی در جدول ۱ نشان داد بین مؤلفه بهزیستی روان‌شناختی با خودفریبی در سطح ۰/۰۱ رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ همچنین بین مؤلفه درماندگی روان‌شناختی و تمایل به طلاق با خودفریبی رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد.

علاوه بر نتایج ارائه شده در جدول ۱، با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش بیشینه درست‌نمایی^۱، رابطه بین خودفریبی در ارتباط با تمایل به طلاق با واسطه‌گری سلامت روان مورد بررسی قرار گرفته است. در شکل ۱، مدل پیشنهادی به همراه ضرایب استاندارد شده ارائه شده است و در ادامه، مسیرهای مستقیم در جدول ۲، مسیرهای غیرمستقیم در جدول ۳ و مهم‌ترین شاخص‌های برازش الگو در جدول ۴ گزارش شده است.



شکل ۱. الگوی ساختاری خودفریبی و خستگی ذهنی در ارتباط با تمایل به طلاق با واسطه‌گری سلامت روان

در شکل ۱ مدل ساختاری پژوهش به صورت بررسی نقش میانجی سلامت روان در رابطه خستگی ذهنی و خودفریبی با تمایل به طلاق در محیط نرم‌افزار Amos به همراه ضرایب آن ارائه شده است. مدل فوق نشان می‌دهد که مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه برای متغیر تمایل به طلاق برابر با ۰/۳۸۰ به دست آمده است. این یافته بیانگر آن است که ۳۸ درصد واریانس تمایل به طلاق توسط خودفریبی، خستگی ذهنی و سلامت روان قابل تبیین (پیش‌بینی) بوده است و ۴۱/۴ درصد واریانس سلامت روان نیز توسط خودفریبی و خستگی ذهنی قابل تبیین می‌باشد.

جدول ۲: ضرایب اثر مستقیم در الگوی ساختاری خودفریبی و خستگی ذهنی در ارتباط با تمایل به طلاق با واسطه‌گری سلامت روان

متغیر برونداد – متغیر درونداد	ضریب استاندارد نشده	ضریب استاندارد شده	خطای معیار	Z	P
خودفریبی – تمایل به طلاق	۰/۳۰۰	۰/۱۴۴	۰/۱۰۵	۲/۸۵۱	۰/۰۰۴
خستگی ذهنی – تمایل به طلاق	۰/۴۸۴	۰/۱۳۳	۰/۲۳۳	۲/۰۷۵	۰/۰۳۸
سلامت روان – تمایل به طلاق	-۰/۷۴۲	-۰/۴۵۸	۰/۱۰۹	-۶/۸۳۳	۰/۰۰۰
خودفریبی – سلامت روان	-۰/۱۴۹	-۰/۱۱۶	۰/۰۶۶	-۲/۲۵۵	۰/۰۲۴
خستگی ذهنی – سلامت روان	-۱/۳۳۵	-۰/۵۹۵	۰/۱۳۰	-۱۰/۲۳۲	۰/۰۰۰

الگوی پیشنهادی (شکل ۱) و اثرات مستقیم (جدول ۲) نشان می‌دهد که بین خودفریبی با تمایل به طلاق رابطه مستقیم مثبت و معنی‌دار وجود دارد ($P < 0.01$, $Z = 2.851$, $\beta = 0.144$) و خستگی ذهنی نیز با تمایل به طلاق ارتباط مستقیم مثبت و معنی‌دار دارد ($P < 0.05$, $Z = 2.075$, $\beta = 0.133$). همچنین بین خودفریبی با سلامت روان رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد ($P < 0.05$, $Z = -2.255$, $\beta = -0.149$)، خستگی ذهنی با سلامت روان ارتباط منفی و معنی‌دار دارد ($P < 0.001$, $Z = -10.232$, $\beta = -0.595$) و بین سلامت روان با تمایل به طلاق نیز رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد ($P < 0.001$, $Z = -6.833$, $\beta = -0.458$).

جدول ۳: ضرایب اثر غیرمستقیم در الگوی ساختاری خودفریبی و خستگی ذهنی در رابطه با تمایل به طلاق با واسطه‌گری سلامت روان

متغیر برونداد – متغیر درونداد (متغیر میانجی)	ضریب استاندارد نشده	ضریب استاندارد شده	خطای معیار	Z	P
خودفریبی – تمایل به طلاق (سلامت روان)	۰/۱۱۱	۰/۰۵۳	۰/۰۵۲	۲/۱۴۳	۰/۰۳۲
خستگی ذهنی – تمایل به طلاق (سلامت روان)	۰/۹۹۱	۰/۲۷۳	۰/۱۷۵	۵/۶۷۴	۰/۰۰۰

نقش میانجی سلامت روان در رابطه با خستگی ذهنی و خود فریبی با تمایل به طلاق

The mediating role of mental health in the relationship between mental fatigue and self-deception with the tendency...

با توجه به اثر غیرمستقیم (حاصل ضرب ضرایب مستقیم) و محاسبات انجام شده از طریق آزمون سوبل^۱ (جدول ۳)، می توان گفت که خستگی ذهنی با تمایل به طلاق با میانجی گری سلامت روان رابطه غیرمستقیم دارد ($P < 0.001$, $Z = 5.674$, $\beta = 0.273$). همچنین خودفریبی با تمایل به طلاق با واسطه سلامت روان رابطه غیرمستقیم دارد ($P < 0.05$, $Z = 2.143$, $\beta = 0.053$).

جدول ۴: شاخص های برازش الگوی ساختاری خودفریبی در ارتباط با تمایل به طلاق با واسطه گری سلامت روان

شاخص	χ^2	df	χ^2/df	GFI	AGFI	NFI	RFI	IFI	TLI	CFI	RMSEA
مقدار	۲/۵۸۲	۱۴	۲/۵۸۲	۰/۹۹۶	۰/۹۴۷	۰/۹۹۶	۰/۹۶۰	۰/۹۹۸	۰/۹۷۵	۰/۹۹۷	۰/۰۷۴
دامنه پذیرش	-	-	< ۳	≥ ۰/۹	≥ ۰/۹	≥ ۰/۹	≥ ۰/۹	≥ ۰/۹	≥ ۰/۹	≥ ۰/۹	< ۰/۰۸

با توجه به جدول ۴، چون نسبت آماره مجذور خی به درجه آزادی ($\chi^2/df = 2/582$) کمتر از ۳ است، مقادیر شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب ($RMSEA = 0.074$) از ۰/۰۸ کمتر بوده و همچنین مقادیر شاخص نیکویی برازش ($GFI = 0.996$)، شاخص نیکویی برازش تصحیح شده ($AGFI = 0.947$)، شاخص برازش نرم دار ($NFI = 0.996$)، شاخص برازش نسبی ($RFI = 0.960$)، شاخص برازش نموی ($IFI = 0.998$)، شاخص برازش غیرهنجار تاکر-لویس ($TLI = 0.975$) و شاخص برازش تطبیقی ($CFI = 0.997$) با ملاک های موردنظر همخوان می باشند (حبیبی و عدنور، ۱۳۹۶)، لذا مدل ساختاری پیشنهادی از برازش مطلوب برخوردار است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر باهدف تعیین نقش میانجی سلامت روان در رابطه با خستگی ذهنی و خودفریبی با تمایل به طلاق صورت گرفت. نتایج نشان داد که خودفریبی بر تمایل به طلاق دانشجویان متأهل تأثیر مثبت و معنی داری دارد و به صورت مستقیم تمایل به طلاق را در دانشجویان متأهل تحت تأثیر قرار می دهد. این یافته با پژوهش عظیمی و همکاران (۱۴۰۰)، پورزاد و همکاران (۱۴۰۰)، رحمانی و همکاران (۱۳۹۳) و گائو (۲۰۲۱) که بیان کرده اند بین خودفریبی و تمایل به طلاق رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد، همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که خودفریبی عمل فریب دادن خود، به خصوص در مورد ماهیت واقعی احساسات یا انگیزه های خود، و فرایندی روان شناختی است که نوعی باور مغایر با شواهد صاحب آن باور را می سازد و حفظ می کند (سیرونت و همکاران، ۲۰۱۹). در فرایند خودفریبی، افراد از طریق فرایند خودسرزندی غلط، شروع به فریب دادن خود می کنند، تا زمانی که از طریق فرایند یادگیری ضمنی غیرتداعی، فریب خود را باور کنند. فرایند خودفریبی باعث ایجاد اشکال در برقراری ارتباط و در نتیجه عدم تفاهم و سازگاری در زوجین می شود (ون سیگل^۲، ۲۰۲۱). بدین ترتیب، روابط بین زوجین دستخوش مشکلات می شود و این مشکلات باعث عدم رضایت و سازگاری زناشویی و در نتیجه تمایل به طلاق می شود.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که خستگی ذهنی بر تمایل به طلاق دانشجویان متأهل تأثیر مثبت و معنی داری دارد و به صورت مستقیم تمایل به طلاق را در دانشجویان متأهل تحت تأثیر قرار می دهد. این یافته نیز با پژوهش حاتمی و همکاران (۱۴۰۰)، محمودپور و همکاران (۱۳۹۹)، فیدائو و همکاران (۲۰۲۱) و صباغ و همکاران (۲۰۲۰) که نشان دادند بین خستگی ذهنی و عاطفی و تمایل به طلاق رابطه معنی داری وجود دارد، همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که خستگی ذهنی که یکی از مؤلفه های دلزدگی زناشویی محسوب می شود از فاکتورهایی است که می تواند سلامت روان شناختی و ارتباط زناشویی بهینه و سالم بین زوجین را تحت الشعاع منفی خود قرار دهد (جعفری و همکاران، ۲۰۲۱). برخلاف باور و اعتقاد غالب نظریه ها و رویکردهای بالینی زوج درمانی، دلزدگی زناشویی و خستگی ذهنی به دلیل وجود اشکال در زوجین نیست، بلکه خستگی و دلزدگی از رابطه زناشویی، یک روند تدریجی است که در طی زمان شکل می گیرد و به ندرت به صورت ناگهانی بروز می کند. در حقیقت، از میزان و درجه صمیمیت و عشق و محبت بین زوجین به تدریج کاسته می شود و به همراه آن خستگی و فرسودگی عمومی از رابطه زناشویی روی می دهد و در شدیدترین درجه آن باعث به هم خوردن تعادل در روابط زوجین می شود و رابطه را به ورطه فروپاشی می کشاند (آمرهئی برچلویی و همکاران، ۱۴۰۰).

1 Sobel Test

2 Van Sickle

یافته دیگر پژوهش نشان داد که وضعیت سلامت روان افراد می‌تواند تمایل به طلاق را در افراد متأهل پیش‌بینی کند. نتایج نشان داد که بین بهزیستی روان‌شناختی و میل به طلاق، رابطه منفی و معنی‌دار و بین درماندگی روان‌شناختی و میل به طلاق رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. این یافته با پژوهش چوب فروش‌زاده و شیرودی (۱۴۰۱)، پورآقارودبرده (۱۴۰۰)، رجبیان دهریز و رجبیان، (۱۳۹۹)، بیلال و رسول (۲۰۲۰) و یو و همکاران (۲۰۲۰) همسو می‌باشد. پژوهش‌های دیگری هم نشان داده‌اند که میانگین نمرات افسردگی، اضطراب، استرس و افکار خودکشی در افراد متمایل به طلاق یا در حال طلاق بالا است (شاهمرادی، ۱۳۹۵). در تبیین این یافته می‌توان چنین اظهار کرد که وقتی فرایند پردازش شناختی، ادراک و ارزشیابی دچار مشکلاتی شود، فرد از نظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی و درماندگی می‌شود. این ناتوانی، سازمان عواطف و شناخت‌های فرد را مختل ساخته و رابطه زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زوجینی که در سلامت روان دچار مشکلاتی هستند، سطوح پایین‌تری از سازگاری و رضایت‌مندی زناشویی را تجربه می‌کنند (زارع و همکاران، ۱۳۹۵). افسردگی و اضطراب پیش‌بینی‌کننده‌ای قوی در کاهش رضایت‌مندی زوجین هستند (شاهمرادی، ۱۳۹۵). با کاهش اضطراب و افسردگی، بهزیستی روان‌شناختی افزایش می‌یابد. افرادی که از بهزیستی روان‌شناختی مطلوبی برخوردارند، سازگاری اجتماعی و ابراز وجود بهتری از خود نشان می‌دهند و این مسئله از اساسی‌ترین عوامل رشد مطلوب شخصیت در این افراد محسوب می‌شود، که می‌تواند منجر به کاهش میل به طلاق در آن‌ها شود (بشارت، ۱۳۹۹).

همچنین از آنجاکه بین خودفریبی و خستگی ذهنی با سلامت روان رابطه وجود دارد، بررسی مدل پژوهش نشان می‌دهد که سلامت روان بین رابطه خودفریبی و خستگی ذهنی با تمایل به طلاق نقش میانجی را ایفا می‌کند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد بین خودفریبی و سلامت روان رابطه منفی وجود دارد. خودفریبی به عنوان یکی از مکانیسم‌های دفاعی سرکوب و روان‌رنجور محسوب می‌شود که این نوع مکانیسم‌ها صرفاً یک تحریف متوسط از واقعیت به عمل می‌آورند. پژوهش‌های گذشته نیز نشان داده‌اند که مکانیسم‌های دفاعی روان‌رنجور با سلامت روان رابطه منفی دارند (شاهمرادی، ۱۳۹۵). بشارت (۱۳۹۲)، در پژوهش خود به این نتیجه رسید زمانی که تصور مثبت از خود و آینده پیش رو از واقعیت فاصله زیادی داشته باشد باعث ایجاد مشکل می‌شوند و همانند تمام مکانیسم‌های سرکوب که در دسته روان‌رنجور قرار می‌گیرند باعث بروز اختلالات اضطرابی در این نوع افراد می‌شود. همچنین در خصوص رابطه خستگی ذهنی با سلامت روان می‌توان گفت که خستگی ذهنی در اثر فشارهای روانی مستمر و طولانی، مشکلات خانوادگی، مسئولیت زیاد و بیش‌ازحد به وجود می‌آید که باعث کاهش شدید فرایندهای شناختی می‌شود. خستگی ذهنی باعث ایجاد اختلال در حافظه خصوصاً حافظه کاری، توجه و تمرکز افراد می‌شود که به‌طور مستقیم بر عملکرد روزانه افراد در ارتباط است و باعث کاهش سطح سلامت روان زوجین و در نتیجه عاملی برای تمایل زوجین به طلاق به حساب می‌آید (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

به‌طور خلاصه نتایج این مطالعه نشان داد که خودفریبی و خستگی ذهنی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم (از طریق نقش میانجی سلامت روان) به عنوان پیش‌بینی‌کننده تمایل به طلاق در دانشجویان متأهل در نظر گرفته می‌شوند و با توجه به معنی‌دار شدن مدل ارائه‌شده و تأیید نقش میانجی سلامت روان در رابطه بین خودفریبی و خستگی ذهنی با تمایل به طلاق در دانشجویان متأهل پیشنهاد می‌شود که مشاوران خانواده و مراکز مشاوره در دانشگاه در جهت افزایش سلامت روان دانشجویان متأهل و کاهش خستگی‌های ذهنی که یکی از زمینه‌های تمایل به طلاق در دانشجویان متأهل گزارش شد، برنامه‌های آموزشی مناسبی در دستور کار خود قرار دهند و در این مراکز به سنجش و ارتقاء سلامت روان دانشجویان به‌ویژه دانشجویان متأهل اهمیت بیشتری داده شود و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی بیشتری در این زمینه برگزار شود.

انجام پژوهش حاضر مانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی همراه بود که می‌توان به استفاده از پرسشنامه آنلاین و دریافت داده‌ها به‌صورت غیرحضور، امکان دخالت عوامل مداخله‌گر همچون خستگی جسمی و روانی، عجله و شتاب، عدم دقت کافی در هنگام پر کردن پرسشنامه‌ها از سوی مشارکت‌کنندگان علی‌رغم توضیحات مقدماتی محقق اشاره کرد. همچنین این پژوهش بر روی دانشجویان متأهل دانشگاه‌های شهر کرمان انجام گرفت که تعمیم نتایج را با سوگیری همراه می‌کند که پیشنهاد می‌شود این پژوهش بر روی دانشجویان متأهل سایر دانشگاه‌ها جهت تعمیم بهتر نتایج انجام گیرد. همچنین روش نمونه‌گیری این پژوهش به‌صورت در دسترس بود که پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از احتمال سوگیری در مطالعات آتی از روش‌های نمونه‌گیری متفاوت بخصوص روش تصادفی استفاده شود.

نقش میانجی سلامت روان در رابطه با خستگی ذهنی و خود فریبی با تمایل به طلاق
The mediating role of mental health in the relationship between mental fatigue and self-deception with the tendency...

سپاسگزاری: این پژوهش برگرفته از پایان نامه دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا می باشد. نویسندگان بر خود لازم می دانند از تمام افرادی که در این پژوهش همکاری های لازم را انجام داده اند، تشکر و قدردانی کنند.

منابع

- آمرهئی برچلوئی، ش.، خوش کنش، ا.، و فلاح زاده، ه. (۱۴۰۰). پیش بینی دلزدگی زناشویی زوجین بر اساس اهمال کاری و سبک زندگی. *مطالعات زن و خانواده*، ۳۹(۳): ۱۶۹-۱۵۵. <https://doi.org/10.22051/jwfs.2021.35066.2645>
- بارانی، ح.، و فضیلت پور، مسعود (۱۴۰۰). رابطه ذهن آگاهی و امنیت اجتماعی: نقش واسطه ای خودفریبی. *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱۷(۶۸): ۴۰۵-۴۱۶. https://jip.stb.iau.ir/article_686332.html
- بشارت، م. ع. (۱۳۹۲). مقایسه مکانیسم های دفاعی در بیماران مبتلا به افسردگی، اختلال های اضطرابی و افراد عادی. *پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره*، ۳(۱): ۴۱. <https://doi.org/10.22067/ijap.v3i1.12426>
- بشارت، م. ع. (۱۳۹۹). سنجش اثربخشی زوج درمانی پارادوکسی بر مشکلات زوجین: مطالعه موردی. *دوفصلنامه روانشناسی خانواده*، ۷(۱): ۱-۱۸. <https://doi.org/10.52547/ijfp.7.1.1>
- پورآقا رودبرده، ف. (۱۴۰۰). بررسی رابطه تحریف های شناختی، بهزیستی روان شناختی و دلزدگی زناشویی با میزان سلامت روان زوجین متقاضی طلاق در شهر رشت. *نشریه جستارهای اجتماعی*، ۳(۱): ۷۵. https://psyedu.tonekabon.iau.ir/article_559786.html
- پوزاد، ا.، نجارپوریان، س.، جاودان، م.، سماوی، ع. و.، و سرافراز، م. (۱۴۰۰). بررسی نقش میانجی فرایندهای خودشناختی در رابطه ی بین سرکوب گری (خودفریبی و دگر فریبی) با میل به طلاق در زنان و مردان متقاضی طلاق. *روش ها و مدل های روان شناختی*، ۱۲(۴۶): ۱۴۷-۱۶۲. <https://doi.org/10.30495/jpmm.2022.28956.3488>
- چوب فروش زاده، آ.، و شیرودی، ا. (۱۴۰۱). بررسی نقش واسطه ای تاب آوری و سلامت روان در رابطه بین حمایت همسر و تمایل به طلاق در زوجین. *نخستین همایش ملی نوآوری در علوم انسانی و اجتماعی*، کاشان. <https://civilica.com/doc/1623177>
- حاتمی، ن.، حیدری، ح.، و داودی، ح. (۱۴۰۰). اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار بر دلزدگی زناشویی و میل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق. *پژوهش نامه زنان*، ۱۲(۳۵): ۲۳-۴۰. <https://www.doi.org/10.30465/ws.2021.5694>
- حسینی قیداری، ا.، گودرزی، م.، احمدیان، ح.، و یاراحمدی، ی. (۱۴۰۱). گرایش به طلاق زنان بر اساس باورهای غیرمنطقی ارتباطی و تمایز یافتگی فردی با نقش واسطه ای عملکرد جنسی و سرخوردگی زناشویی. *سلامت اجتماعی*، ۹(۳): ۶۷-۷۹. <https://doi.org/10.22037/ch.v9i3.31199>
- خالقی، م.، کرای، ا.، و شهبازی، م. (۱۴۰۰). شناسایی علل طلاق زنان فاقد فرزند (مرحله ابتدایی چرخه زندگی زناشویی). *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۲(۲): ۱۷۳-۱۸۹. <https://www.doi.org/10.30495/jzv.2021.23518.3090>
- داودی، ز.، اعتمادی، ع.، و بهرامی، ف. (۱۳۹۰). رویکرد کوتاه مدت راه حل محور برای کاهش گرایش به طلاق در زنان و مردان مستعد طلاق. *رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۳): ۱۲۱-۱۳۴. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-755-fa.html>
- دهقانی، ط.، و نیک نژادی، ف. (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش گروهی آنلاین تاب آوری بر میل به طلاق، بخشش، امیدواری و انعطاف پذیری شناختی در زنان دارای تجربه خیانت زناشویی. *نشریه رویش روانشناسی*، ۱۱(۱۰): ۱۶۰-۱۴۹. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1401.11.10.14.9>
- رجبیان دهریز، م.، و حیدری، س. (۱۳۹۹). بررسی رابطه ی بین هوش معنوی و هوش هیجانی با تاب آوری، رضایت از زندگی و سلامت روان در زوجین. *رویش روانشناسی*، ۹(۵): ۱۱۶-۱۰۵. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1399.9.5.15.6>
- رحمانی، م. ع.، امینی، ن.، و سیرتی ثابت فومنی، ز. (۱۳۹۳). بررسی رابطه تحریف های شناختی و بهزیستی روان شناختی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق. *فصلنامه مهارت های روانشناسی تربیتی*، ۵(۲): ۳۹-۲۹. https://psyedu.tonekabon.iau.ir/article_559786.html
- زارع، ر.، قمری گیوی، ح.، و ولی زاده، ب. (۱۳۹۵). ارزیابی سلامت روانی زنان در حال طلاق مراجعه کننده به پزشکی قانونی اردبیل. *مجله پزشکی قانونی ایران*، ۲۲(۲): ۸۷-۹۴. <http://sjfm.ir/article-1-807-fa.html>
- شاه مرادی، س. (۱۳۹۵). پیش بینی طلاق بر اساس صفات شخصیتی، اختلالات روانی و ویژگی های جمعیت شناختی. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۱(۳۵): ۸۰-۶۱. <https://search.ricest.ac.ir/dl/search/defaultta.aspx?DTC=8&DC=916933>
- صالحی، س. ف.، و صفرزاده، س. (۱۴۰۱). طراحی الگوی اهمال کاری زناشویی بر اساس کیفیت زندگی جنسی و درگیری زناشویی با میانجی گری بهزیستی روان شناختی زنان متقاضی طلاق. *رویش روانشناسی*، ۱۱(۱۰): ۱۴۸-۱۳۹. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1401.11.10.13.8>

صمدی کاشان، س.، جعفری، ف.، محمودپور، ع.، و قاسم زاده، س. (۱۳۹۷). پیش بینی گرایش به طلاق و احساس تنهایی بر اساس سبک های دلبستگی با توجه به نقش میانجی گری خودمتمایزسازی. *پژوهش های مشاوره (تازه ها و پژوهش های مشاوره)*، ۱۷ (۶۸): ۱۲۸-۱۵۱
<https://www.sid.ir/paper/69996/fa>

عظیمی، ب.، فرح بخش، ک.، سلیمی بجستانی، ح.، و عسگری، م. (۱۴۰۰). پدیدارشناسی رفتارهای توجیه گر خیانت اینترنتی: سازوکارهای رویارویی با تعارضات زناشویی. *مجله علوم پزشکی رازی*، ۲۸ (۲): ۱۱۶-۱۰۴. <http://rjms.iums.ac.ir/article-1-6647-fa.html>

محمدری، ع.، فولادی دهقی، ب.، و نعمت پور، ل. (۱۳۹۷). بررسی خستگی ذهنی و تأثیر آن بر عملکرد کارکنان دانشکده بهداشت با استفاده از امواج الکتروانسفالوگرافی. *مجله مهندسی بهداشت حرفه ای*، ۵ (۴): ۴۹-۴۱. <http://johe.umsha.ac.ir/article-1-469-fa.html>

محمودپور، ع.، شیر، ط.، فرح بخش، ک.، و ذوالفقاری، ش. (۱۳۹۹). پیش بینی گرایش به طلاق بر اساس دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجیگری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۱۱ (۴۲): ۱۲۱-۱۴۱
<https://www.doi.org/10.22054/qccpc.2020.43452.2164>

نوروزی، س.، و نوایی نژاد، ش. (۱۴۰۰). نقش پیش بینی کنندگی سبک های دلبستگی در دلزدگی زناشویی زنان متأهل شهر تهران. *نشریه مطالعات علوم رفتاری*، ۶، ۱۲۶-۱۱۷. <https://www.tpbin.com/jarticle/16045>

Anjum, M. A., Liang, D., Durrani, D. K., & Parvez, A. (2020). Workplace mistreatment and emotional exhaustion: The interaction effects of self-compassion. *Current Psychology*, 1-12. [DOI:10.1007/s12144-020-00673-9](https://doi.org/10.1007/s12144-020-00673-9)

Arocho, R. (2021). Changes in expectations to marry and to divorce across the transition to adulthood. *Emerging Adulthood*, 9(3):217-28. <https://doi.org/10.1177%2F2167696819879008>

Bilal, A., & Rasool, S. (2020). Marital satisfaction and satisfaction with life: Mediating role of sexual satisfaction in married women. *Journal of Psychosexual Health*, 2(1), 77-86. <https://doi.org/10.1177/2631831820912873>

Fidao, A., De Livera, A., Nag, N., Neate, S., Jelinek, G. A., & Simpson-Yap, S. (2021). Depression mediates the relationship between fatigue and mental health-related quality of life in multiple sclerosis. *Multiple sclerosis and related disorders*, 47, 102620. <https://doi.org/10.1016/j.msard.2020.102620>

Gadsby, S. (2021). Imposter syndrome and self-deception. *Australasian Journal of Philosophy*, 1-15. <https://doi.org/10.1080/00048402.2021.1874445>

Gao, J. (2021). Self-deception and pragmatic encroachment: A dilemma for epistemic rationality. *Ratio*, 34(1), 20-32. <https://doi.org/10.1111/rati.12288>

Green, S. B. (1991). How many subjects does it take to do a regression analysis. *Multivariate behavioral research*, 26(3), 499-510. https://doi.org/10.1207/s15327906mbr2603_7

Hald, G. M., Wimmelmann, C. L., Øverup, C. S., Cipric, A., Sander, S., & Strizzi, J. M. (2023). Mental health trajectories after juridical divorce: Does personality matter?. *Journal of Personality*, 91(2), 426-440. <https://doi.org/10.1111/jopy.12737>

Jafari, A., Alami, A., Charoghchian, E., Noghabi, A. D., & Nejatian, M. (2021). The impact of effective communication skills training on the status of marital burnout among married women. *BMC women's health*, 21(1), 1-10. <https://doi.org/10.1186/s12905-021-01372-8>

Kinnard, K., & Gerrard, M. (1986). Premarital sexual behavior and attitudes toward marriage among young women as a function of their mothers' marital status. *Journal of Marriage and the Family*, 48, 757-765. <https://doi.org/10.2307/352568>

Pines, A. M., & Nunes, R. (2003). The relationship between career and couple burnout: Implications for career and couple counseling. *Journal of employment counseling*, 40(2), 50-64. <https://doi.org/10.1002/j.2161-1920.2003.tb00856.x>

Roddy, M. K., Rhoades, G. K., & Doss, B. D. (2020). Effects of ePREP and OurRelationship on low-income couples' mental health and health behaviors: A randomized controlled trial. *Prevention Science*, 21, 861-871. [DOI: 10.1007/s11121-020-01100-y](https://doi.org/10.1007/s11121-020-01100-y)

Rusbult, C. E., Johnson, D. J., & Morrow, G. D. (1986). Determinants and consequences of exit, voice, loyalty, and neglect: Responses to dissatisfaction in adult romantic involvements. *Human relations*, 39(1), 45-63. <https://doi.org/10.1177/001872678603900103>

Sabbagh, Z., Salehzadeh, M., & Zareei, H. (2020). Marital burnout and dependence on virtual social networks: Difference between women and men. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 22, 361-9. <https://doi.org/10.22038/JFMH.2020.17342>

Sirvent, C., Herrero, J., Moral, M. D. L. V., & Rodríguez, F. J. (2019). Evaluation of self-deception: Factorial structure, reliability and validity of the SDQ-12 (self-deception questionnaire). *PloS one*, 14(1), e0210815. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0210815>

Van Sickle, E. (2021). The Role of Self-Deception in Addicts and Betrayed Partners. Restored hope counseling services. Available at: <https://www.restoredhopecounselingservices.com/blog/2021/6/29/the-role-of-self-deception-in-addicts-and-betrayed-partners>.

Yu, Y., Wu, D., Wang, J.-M., & Wang, Y. C. (2020). Dark personality, marital quality, and marital instability of Chinese couples: An actor-partner interdependence mediation model. *Personality and Individual Differences*, 154, Article 109689. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.109689>

The mediating role of mental health in the relationship between mental fatigue and self-deception with the tendency...

Zhang, Y., & Ma, Z. F. (2020). Impact of the COVID-19 pandemic on mental health and quality of life among local residents in Liaoning Province, China: A cross-sectional study. *International journal of environmental research and public health*, 17(7), 2381. <https://doi.org/10.3390/ijerph17072381>